

خون منی العظمی

خاطرات حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)
از زندانها و تبعید دوران مبارزات انقلاب اسلامی

در سینه خون گرمش یا قوت و لعل گردید
در زیر تیغ چون کوه هرکس فشرد پا را
صائب تبریزی

موسسه پژوهشی فرهنگی



فهرست مطالب

- فصل اول: آن روزها..... ۱
- فصل دوم: در محضر اساتید..... ۲۱
- فصل سوم: ساحل دجله..... ۳۱
- فصل چهارم: شراره‌ی نخستین..... ۴۷
- فصل پنجم: آتش فشان انقلاب..... ۶۱
- فصل ششم: سایه‌ی خورشید..... ۷۳
- فصل هفتم: حماسه‌ی اشک..... ۸۳
- فصل هشتم: قلعه‌ی سرخ..... ۹۷
- فصل نهم: کاخ سفید..... ۱۳۷
- فصل دهم: فرش پوسیده..... ۱۵۳
- فصل یازدهم: دادگاه نظامی..... ۱۶۹
- فصل دوازدهم: سلول شماره‌ی ۱۴..... ۱۹۷
- فصل سیزدهم: کد رمز..... ۲۲۷
- فصل چهاردهم: سیل در تبعید..... ۲۷۱
- فصل پانزدهم: پیروزی بعد از سختی..... ۲۹۹
- پی‌نوشت‌ها..... ۳۱۹
- تصاویر و اسناد..... ۳۳۹
- نمایه..... ۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله الطيبين الطاهرين وصحبه
المتتبعين.

هر اندازه پیرامون انقلاب اسلامی ایران اختلاف نظر باشد، در این تردیدی
نیست که این انقلاب در تاریخ اسلام و حتی تاریخ جهان رخدادی بی‌همتا
است. نیم قرن پیش، هریک از دو ابرقدرت شرق و غرب میکوشید تا
سلطه‌ی خود را بر جهان بگسترانند. جهان اسلام، از طریق تهاجم فرهنگی،
نظامی، و اقتصادی، بشدت مورد هدف واقع شده بود. بیشتر حکومت‌های
سرزمین مسلمانان برای نزدیکی به این یا آن قدرت از هم سبقت می‌گرفتند.
ملت‌ها، افسرده و خاموش، به این صحنه مینگریستند و نمیدانستند چه
باید کرد؛ هیچ قدرت و توانی نداشتند. وضع حیرت‌آوری بود، و اراده‌ها به
علت ناکامی‌ها و سرخورده‌گی‌هایی که دیده بودند، درهم شکسته بود.

در این جوّ بحران‌زده و حال و هوای شکست، قدرتهای سلطه‌گرایان
شدند تا آنچه را که به گمانشان آخرین ضربه بر پیکر امت اسلامی بود،
عملی سازند. کوشیدند رأس اصلی مقاومت امت اسلامی را در چهارچوب
به اصطلاح طرح صلح با دشمن صهیونیستی درهم بشکنند. همچنین،
در این اوضاع، بزرگ‌ترین اقدامات تروریستی علیه همه‌ی مبلّغان اسلامی

و منادیان تجدید حیات و بازگرداندن عزت و کرامت امت اسلامی، به اجرا درآمد و به همراه آن، کوشیدند در جهت ترویج فرهنگ لاابالیگری و ولنگاری و شکست پذیری و ناجوانمردی و نابودی کرامت و شخصیت انسانی، اقدامات گسترده‌ای را در میان مسلمانان به مرحله‌ی عمل درآورند. درگیرودار این توطئه‌ی استکباری علیه منطقه‌ی اسلامی ما، صدایی طنین افکن شد که بنیان آنچه را مستکبران بنا کرده بودند به لرزه انداخت. این صدا از همان پایگاه توطئه‌ی استکبار، از همان ایران که قرار بود پایگاه آمریکا و صهیونیسم و مزدوران داخلی آنها باشد، برخاست. و این حرکت، در راستای تحقق فرموده‌ی خدای سبحان بود که:

«قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَحَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ»

این حرکت در خط مشی و اهداف و رهبری بی نظیر بود. از جهت خط مشی، پس از خدای متعال تنها و تنها بر توده‌های مردم اتکاء داشت. به هیچ حزب و تشکیلاتی وابسته نبود و از سوی هیچ‌یک از قدرتهای جهانی حمایت نمیشد. بلکه اعلام کرد حزب فقط حزب الله، یعنی حزب توده‌های انقلابی که برای خدا قیام کرده‌اند. با اعلام «نه شرقی، نه غربی» حاضر نشد به هیچ‌یک از ابرقدرت‌های متخاصم جهان وابستگی داشته باشد. هدف خود را هم که عبارت بود از برپایی جمهوری اسلامی با تمامی محتوای آن مبنی بر عدالت و آزادی و استقلال و عزت و کرامت و به روز بودن «جمهوریت» و اصالت «اسلامیت»، از همان نخستین لحظه اعلام نمود. اما آنچه بیشتر توجه جهان را جلب کرد رهبری آن بود؛ زیرا این رهبری

۱. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۲۶، ترجمه: پیش از آنان کسانی بودند که مکر کردند ولی خدا از پایه بر بنیانشان زد، در نتیجه از بالای سرشان سقف بر آنان فروریخت، و از آنجا که حدس نمی‌زدند عذاب به سراغشان آمد.

در یک شخصیت روحانی تجلی یافته بود که میخواستند او را از عرصه‌ی زندگی کنار بزنند، و در یک گفتمان اصیل تبلور یافته بود که چیزی نمانده بود در میان هیاهوی مادیگری و تلاشهای تخریبی و فریبکارانه از میان برود. این رهبر، یعنی امام خمینی (قدس سره)، با گفتمانی که احیاگر امت اسلامی بود به بازگرداندن عزت و کرامت و هویت و اصالت امت دعوت میکرد.

این مرد بزرگ، همه‌ی عوامل پیروزی برنامه‌ی انقلاب را در خود داشت: اصالت، به روز بودن، دعوت به عزت و عدالت، یاری مستضعفان، مبارزه با مستکبران، تکیه بر توده‌های مردم و اعتماد به آنها، مخالفت با تحمیل هرگونه خواری و ذلت و استضعاف و سلطه‌ی بیگانگان و هرآنچه موجب سرخوردگی و تزلزل اعتماد به نفس گردد. دعوت او به سوی خداوند متعال، همه‌ی محتویات این دعوت - یعنی هدایت ملت‌ها به سوی کمال و تعالی و حیات طیبه و تلاش مستمر و پیگیر برای خودسازی و جامعه‌سازی - را در برداشت.

از این رو، پیروزی این انقلاب در دل ملت‌های مشتاق برای زندگی بهتر، بازتابی ژرف داشت. توده‌هایی را بیدار کرد که قرار بود در خوابی گران فرو روند، و دل‌هایی را زنده کرد که چیزی نمانده بود از بازگشت اسلام به عرصه‌ی زندگی نومید شوند.

واقعیت آن است که ایران در تاریخ جدید خود این را آزموده بود که هر فرد روحانی که خالصانه دعوت به راه خدا کند و بیانگر آمال و آرمان‌های مردم برای فردای بهتر باشد، توده‌های مردم پیرامون او گرد می‌آیند. همچنان که این واقعیت در قیام تنباکو، جنبش مشروطه، و نهضت ملی کردن نفت نمود یافت. اما گرد آمدن توده‌های مردم پیرامون امام خمینی با آگاهی، بیداری، فداکاری، جان‌فشانی، اراده‌ی مداومت، و بصیرت، همراه بود. آنان همچنین عواملی را که دشمنان انقلاب میخواستند بر سر راه انقلاب

قرار دهند تا مانع پیشرفت یا موجب تعویق آن شوند، می‌شناختند. شاید علت امر، بیدارگری‌های امام راحل و شاگردان و مریدان او طی سالهای پیش از پیروزی انقلاب بود.

راوی این خاطرات، حضرت آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای یکی از شخصیت‌های برجسته‌ی مسیر انقلاب اسلامی است. ایشان هم مانند امام راحل در سالهای مبارزه، فعالیت خود را بر توده‌های مردم و بویژه جوانان متمرکز ساخت. در برقراری ارتباط با جوانان دانشگاهی و دیگر جوانان در استانهای مختلف ایران تلاشی پیگیر داشت. گفتمان ایشان با آرمانهای جوانان همسویی داشت: آرمانهایی که در راستای عزت و کرامت و آزادی از وابستگی به جهان استکباری و مبارزه با طاغوتیان و به ذلت‌کشندگان ملت‌ها بویژه آمریکا و دشمن صهیونیستی بود. گفتمان ایشان بیانگر آرزوها و آمال جوانان برای برپایی یک جامعه‌ی اسلامی آزاد و سربلند و برخوردار از عزت و کرامت بود.

صلابت و پایداری و ثبات قدم و شجاعت در برابر بازجوهای زندان، و آزادگی از قید و بند خودخواهی و خودپسندی، از ویژگی‌های برجسته‌ی این مرد بود. او آن‌چنان در هدف بزرگ خود ذوب شده بود که حتی یک روز هم در پی هدف‌های شخصی خود یا دل‌بستگی‌های کم‌ارزش زندگی نبود، و همواره مضمون یک بیت شعر عربی را که مورد توجه ایشان است در نظر دارد:

لَقَدْ دَقَّتْ وَرَقَّتْ وَ اسْتَرْقَّتْ فَضُولُ الْعَيْشِ أَعْنَاقَ الرِّجَالِ^۱

همچنین از دیگر ویژگی‌های ایشان این است که در تلاش و قیام خود، فعالیت فرهنگی و فکری را با کار مبارزاتی علیه رژیم شاه توأم ساخته بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به فرمان امام راحل مسئولیت‌های مدیریتی

۱. دل‌بستگی‌های کم‌ارزش زندگی، گردن مردان را خرد و باریک کرده و آنان را به بند بردگی کشیده است.

و نظامی و ریاستی سنگینی را عهده‌دار شد. نسبت میان ایشان و امام، مانند نور با نور، و پنجه با بازو بود. پس از رحلت امام خمینی (قدس سره الشریف)، با انتخاب اعضای مجلس خبرگان رهبری، عهده‌دار ولایت و رهبری اقامت شد. با توکل بر خدا و با توانایی‌ها و تجربیات خود و تکیه بر آحاد مردم و آگاهی و استقامت و بصیرت آنان، توانست جمهوری اسلامی را در میان کوهی از چالش‌ها رهبری کند و بدین سان آرزوی کسانی را که بر مرحله‌ی پس از رحلت امام (ره) حساب باز کرده بودند، نقش بر آب سازد.

گفتمان رهبری ایشان، از جهت تعمیق روحیه‌ی انقلابی و بصیرت و میانه‌روی و پرهیز از تندروی و خرافه‌گرایی و افکار ارتجاعی واپس‌گرایانه، متمایز می‌گردد. از همین ژرفا، مواضع سیاسی، اقتصادی، و نظامی ایشان در عرصه‌های داخلی و جهانی نشان داده که در این زمینه‌ها بر مبنای دیدگاهی دورنگرانه و درایت مکتبی ریشه‌دار و بی‌شائبه‌ای حرکت شده است.

این سطور چگونه به نگارش درآمد؟

همه‌ی متخصصان زبان عربی و علوم قرآنی که با صاحب این خاطرات آشنایی نزدیک دارند، شوق و شیفتگی خاص ایشان به قرآن و زبان عربی توجهشان را جلب می‌کند. وقتی موضوع را پی جویی می‌کنند، می‌بینند ایشان از اوان کودکی که در مکتب‌خانه جزء سی‌ام قرآن را می‌خوانده، عاشق زبان قرآن شده، شیرینی آن را چشیده، و از چشمه‌ی بلاغت آن سیراب شده، و از همان زمان به زبان عربی علاقه پیدا کرده است؛ پس از آن نیز در همه‌ی مراحل زندگی، از طریق قرآن و حدیث و نهج‌البلاغه و شعر و نثر فاخر عربی، در حال و هوای این زبان زیسته. هرگاه با کسی برخورد می‌کند که با این زبان بخوبی آشنا است، و در نظم و نثر و گفت‌وگو به این زبان

دستی دارد، میکوشد در بحث و صحبت درباره‌ی مسائل گوناگون ادبی و امور زندگی لحظاتی را با او بگذرانند. پس از آنکه مسئولیتهای اخیر به ایشان سپرده شده نیز شوق و علاقه‌ی ایشان به زبان عربی از بین نرفته است. آری، رابطه‌ی ایشان با این زبان در زندگی علمی - از جهت مطالعه و بحث و تحصیل و تدریس و ترجمه - هیچگاه قطع نشده است. اما ایشان بر این باور است که جهان ادبیات قدیم و جدید عربی، و گفت‌وگوبه زبان عربی در زمینه‌های مختلف زندگی، به این زبان، در دلها زندگی، و در عرصه‌ی ذوق زیبایی، و برای به هم پیوستگی اجزای امت - از اقیانوس اطلس تا اقیانوس هند - توانایی میبخشد.

از همین روی، ایشان بیست سال پیش از این، با وجود تراکم کارها و اشتغالات، در جلساتی هفتگی درباره‌ی مسائل گوناگون به عربی سخن گفته، و متونی را از ادبیات عرب - و البته بیشتر از ادبیات جدید عرب - میخواند. در خلال برخی صحبتها خاطراتی از زندانها و بازداشتگاهها و تبعیدها بازگو میشود، که آمیزه‌ای از تجربیات شخصی و اجتماعی بود.

در یکی از این جلسات به ایشان عرض شد که ضرورت دارد این خاطرات به نگارش درآید تا خوانندگان از آن مطلع و بهره‌مند شوند. ایشان این درخواست را اجابت فرمود، و این کار را با املا کردن خاطرات زندگی خود آغاز کرد. آنچه اکنون تقدیم خوانندگان میشود، تنها بخش مربوط به زندانها و بازداشتگاهها از این خاطرات است.

بار دیگر یادآور میشویم که این خاطرات به زبان عربی املا شده، و ابتدا خوانندگان عرب زبان از آن مطلع خواهند شد. که البته این، هم نشانگر جایگاه زبان قرآن در دل ایشان، و نیز دلیل دیگری است بر قدرت و ظرفیت این زبان از جهت وحدت بخشی امت مسلمان، و در نظر نگرفتن هر تفاوت جغرافیایی، قومی، و زبانی میان مسلمانان.

این خاطرات مهم از تاریخ نهضت اسلامی و رهبران، به همهی پژوهشگران تاریخ جنبش اسلامی معاصر کمک میکند تا با جزئیاتی آشنایی یابند که از دانستن آن بی نیاز نمیتوانند بود. و نیز تجربیات پرباری را در زمینه های مختلف در دسترس تلاشگران راه خدا میگذارد، که نشان میدهد علی رغم همهی رنجها و محنتها، اگر اراده قوی و سلیم باشد، تحقق پیروزی امکان پذیر است. هر خواننده ای هم میتواند در آن سیری لذت بخش و سودمند با داده هایی در سطح فردی و اجتماعی داشته باشد. گفتنی است این کتاب، نخستین مجموعه ی رسمی از خاطرات رهبر معظم انقلاب است که توسط مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)) هم زمان با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - منتشر میشود. از خداوند مسئلت داریم امت اسلامی ما را در جهت درک و بهره جویی از تجارب، و عبرت آموزی، و ادامه ی راه با عزم و اراده، و بیداری و بصیرت موفق بدارد. *إنه تعالی ولی التوفیق.*

این مؤسسه وظیفه میداند از استاد دکتر محمد علی آذرشب برای تنظیم و آماده سازی این کتاب، و جناب آقای محمد مهدی شریعتمدار به خاطر بازنگری متن عربی آن، و جناب آقای محمد حسین باتمان غلیچ برای ترجمه به فارسی سپاسگزاری کند.

مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

(دفتر حفظ و نشر آثار

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی))

بهمن ۱۳۹۷